نیمه پنهان کشمیر - ۴۳

علاقه جوانان به گروه‌های مبارز کشمیری

نویسنده: بشارت پیر
مترجم: بهزاد طاهرپور

ما بازدیدمان را از خانه شروع کردیم. راهنمایم که یک جوان محلی هم سن و سال خودم بود قدم زنان به آرامی وارد خانه شد.

من به صندلی‌ها، میزها، سقف و دیوارهای سفیدکاری شده نگاه می‌کردم. پرده‌های لطیف عسلی رنگ از پنجره‌های اتاق خواب مرد سیاستمدار در طبقه اول آویزان بود.

یک رو تختی قهوه‌ای رنگ روی تخت کشیده شده بود. کتاب‌های زیادی به‌ویژه در زمینه حقوق و ادبیات کتابخانه را پر کرده بود. راهنمایم پرده را کنار زد و نور روشن و درخشانی روی جوایز و یادگاری‌های قفسه کتاب افتاد.

آیه‌هایی از قرآن که در نقش و نگارهای فرش بافته شده بود از دیوار آویزان بود. روی یکی دیگر از دیوارها تابلو نقاشی به‌نام «راجا راوی وارما» دیده می‌شد.

در کمتر از ۵ دقیقه من اسامی شش نفر را که در پاپا - ۲ شکنجه شده بودند را داشتم.

یکی از مردان به نام عابد گفت: شفیع الان در خانه است برویم آنجا.

سپس قدم زنان کوچه باریک و پر پیچ و خمی را در پیش گرفتیم، از خانه‌های ساده و قدیمی گذشتیم. پیرمردها جلوی مغازه‌ها نشسته و به ما زل زده بودند.

عابد سر راه ایستاد و با چند نفر خوش و بش کرد.

او از آنها پرسید آیا در پاپا - ۲ بوده‌اند یا نه؟

برخی از آنها گفتند که دوستانشان در آنجا بوده‌اند.

برخی دیگر راجع به سایر زندان‌ها و بازداشتگاه‌های شکنجه صحبت می‌کردند.

نهایتا عابد کنار یک خانه دوطبقه که رنگ و رو رفته داشت ایستاد.

کوبه خانه را به صدا در آورد.

راهنمایم ساکت بود. او در نهایت سکوت را شکست و گفت: برادر، این پاپا - ۲ بود!، این‌جا پاپا - ۲ بود.

یک ساعت بعد من در لال چوک مرکز شهر بودم و با دو دوست در مورد دیدارم از پاپا - ۲ صحبت کردم.

من مجبور بودم با کسانی که از پاپا - ۲ جان سالم به در برده بودند ملاقات کنم در عین حال باید اعتراف کنم خودم از این ایده وحشت داشتم.

از دوستم پرسیدم از کجا می‌توانم کسانی را که در پاپا-۲ بودند را پیدا کنم؟

- از هر کی در خیابان بپرسی بهت می‌گوید. تقریبا نصف کشمیری‌ها گذرشان به آنجا افتاده یا اینکه قدم زنان به منطقه معصومه برو آنجا حداقل ۱۰ نفر را خواهی یافت که در آنجا بودند.

من از پلیس‌ها و سربازان گذشتم و عازم دفتر جبهه آزادیبخش جامو و کشمیر در نزدیکی معصومه شدم تعدادی از جوانان خارج از ساختمان به‌طور عادی کناری ایستاده بودند.

- پاپا -۲ را می‌شناسید؟

- آنها از همدیگر پرسیدند: آیا آنجا بودی؟

- یکی گفت: نه من راجستان بودم.

دیگری گفت: نه من در زندان کوت بالوال جامو بودم.

آن یکی متذکر شد: نه من در گوگولند کرالا بودم.

نفر چهارم هم گفت: نه من در رانچی ایالت جارخند بودم.

اسامی شهرها و مناطقی که آنها نام بردند تقریبا تمام جغرافیای هند را در بر می‌گرفت.

بالاخره دوستان برخی از افرادی که در پاپا-۲ بودند را برایم پیدا کردند.

در نهایت معلوم شد: سید، عرفان، ارشاد و شفیع آنجا بوده‌اند.

در سال ۱۹۹۰ شفیع مثل بسیاری دیگر از جوانان تصمیم گرفت به یکی از گروه‌های مبارز کشمیری بپیوندد. در میان این گروه‌ها جبهه آزادیبخش جامو وکشمیر از بقیه بانفوذتر و جذاب‌تر بود. او به شاخه دانشجویی جبهه آزادیبخش جامو و کشمیر پیوست.

- کیه؟

- عابد گفت: آیا شفیع در خانه است؟

- او مسجد رفته همان‌جا منتظر باشید، هر آن ممکن است سر برسد.

چند دقیقه بعد یک مرد بلندقامت، ضعیف و عینکی حدود سی ساله که با کمک عصای چوبی راه می‌رفت پیدا شد.

او احوالپرسی گرمی با عابد کرد، آنها کمی با هم صحبت کردند. عابد مرا به شفیع معرفی کرد. شفیع در را باز کرد و ما را به داخل خانه دعوت نمود.

ما از پله‌های چوبی بالا رفته و وارد یک اتاق بسیار ساده، تمیز و مرتب که دیوارهای گلی‌اش با یک رنگ سبز ارزان قیمت نقاشی شده بودیم شدیم.

طرح‌های گلدار قالی نخ‌نما شده بود، در گوشه اتاق یک رو تختی تمام لحاف‌ها و تشک‌هایی که روی هم چیده شده بودند را پوشانده بود، هیچ قفسه وکمدی مشاهده نمی‌شد.

شفیع دو بالشت را روی هم چیده و به عنوان پشتی کنار دیوار گذاشته بود، در گوشه دیگر اتاق یک زن گندمگون نزدیک یک اجاق نفتی نشسته بود. در قفسه‌های چوبی روی دیوار چند فنجان بشقاب و وسایل آشپزخانه دیده می‌شد.

شفیع گفت: او زن من است.

من سلام کردم، او هم به ما خوش آمد و پرده‌ای را که به مثابه پارتیشن عمل می‌کرد و آشپزخانه و اتاق پذیرایی را از هم جدا می‌نمود را پایین انداخت.

شفیع سفارش چای را به خانم داد و تاکید کرد شیرین نشود آنها هرچقدر بخواهند شکر می‌ریزند.

به‌نظر می‌رسید چشم‌های شفیع پشت شیشه‌های کلفت عینکش پنهان شده است.

گونه‌های شفیع گود رفته بود اما موهایش هنوز قهوه‌ای فرفری بود.

شفیع سیگاری روشن کرد و به طرف من خم شد و گفت: من ۷ ماه را در پاپا - ۲ گذراندم.

در سال ۱۹۹۰ شفیع مثل بسیاری دیگر از جوانان تصمیم گرفت به یکی از گروه‌های مبارز کشمیری بپیوندد.

در میان این گروه‌ها جبهه آزادیبخش جامو و کشمیر از بقیه بانفوذتر و جذاب‌تر بود.

او به شاخه دانشجویی جبهه آزادیبخش جامو و کشمیر پیوست.

جنگ او با هند شروع شد: حمله به سربازان گشتی هندی، تغییر مکان از یک مخفیگاه به مخفیگاه دیگر، و اجتناب از دستگیری به هنگام سرکوب‌ها و یورش‌های نظامیان هندی روال عادی زندگی‌اش شده بود.

شفیع در آن زمان ۱۸ سال داشت.

او گفت: ما فکر می‌کردیم که کشمیر ظرف یک یا دو سال آزاد می‌شود.

در عوض او از سوی نیروهای شبه نظامی دستگیر شد.

پس از بازجویی‌های اولیه در اردوگاه سرینگر او را به کوت بالوال و زندان‌های «تلب تیلو» در جامو فرستادند. دو سال بعد او آزاد شد.

وقتی به خانه بازگشت دوباره همرزمان قدیمی‌اش را ملاقات کرد.

- من دوباره فعالیت‌هایم را برای جنبش آزادیخواهی در کشمیر آغاز کردم.

یک روز در پاییز ۱۹۹۲ یک پسر بومی که با نیروی امنیت مرزی همکاری می‌کرد رد او را زد.

- من او را می‌شناختم او خبرچین نیروی امنیت مرزی شده بود و مرا شناسایی کرد. من هیچ سلاحی حمل نمی‌کردم اما دستگیر شدم.

زن شفیع از پشت پرده زرد رنگ (آشپزخانه) ندا داد که چای آماده است.

او بلند شد یک سینی پر از بیسکویت دو فنجان و یک فلاکس آورد.

او شروع به ریختن چای کرد اما به‌خاطر مشکل چشمش نتوانست این کار انجام دهد من متوجه شده سریع چای را توی فنجان‌ها ریختم.

- آنها مرا به مدت یک هفته قبل از اینکه به پاپا-۲ بیاورند در اردوگاه محلی نیروی امنیت مرزی در حبس نگه داشتند.

در اردوگاه شفیع را مورد بازجویی قرار دادند. آنها اطلاعاتی را رابطه با گروهش می‌خواستند.

آنها می‌خواستند بدانند او سلاح‌هایش را کجا مخفی کرده است؟.

او به من نگفت که آیا مقر آمده یا اطلاعات و مخفیگاه سلاح‌ها را لو داده است یا نه.

اصولا بسیار سخت است از کسی بخواهید چنین پرسش‌هایی را پاسخ دهد به‌ویژه اگر او کشمیری باشد.

شفیع به مرکز شکنجه پاپا-۲ منتقل شد.

او در حالی که دنبال زیر سیگاری می‌گشت گفت: پاپا - ۲ واقعا یک جهنم به تمام معنا بود.

در هر حال او را به اتاقی انداختند که ۲۰ نفر دیگر در آنجا بودند.

کف اتاق سیمانی و بدون پوشش بود. دیوارهای سفید کاری شده همچنین آغشته به لکه‌های خونی شده بودند.

جنگ سرد فرهنگی؛ سازمان سیا در عرصه فرهنگ و هنر - ۱۱۴

زد و خورد نویسندگان و هنرمندان شوروی و آمریکا

فرانسیس استونر ساندرس
ترجمه حسین باکند

جان اشتاین بِک در اوج جنگ صلیبیِ مک‌کارتی نوشت: «اگر به جای فرار، از ابتدا مبارزه کرده بودیم این اتفاقات اکنون رخ نمی‌داد.» جان هنری فالک نوشت: «نکته وحشتناک این است که بسیاری از قربانیان، و در کل مردم آمریکا، این حکم ناروا را پذیرفتند. «آنها حق افراد خود سر برای طرح اتهام، تصمیم‌گیری و صدور حکم را به رسمیت شناختند. و ما همه ساکت بودیم.

ما احساس می‌کردیم که سکوت، ما را ایمن خواهد ساخت.»

هرچند ابعاد آزار و اذیتی که نویسندگان و هنرمندان شوروی قرار می‌گرفتند قابل مقایسه با کارزار مک‌کارتی در آمریکا نیست و نمی‌تواند باشد، اما هر دو ماجرا عناصر مشترکی داشتند. دیدار برادران آلسوپ از لانه مک‌کارتی در کپیتال هیل نشان داد که [آنجایی که او لانه کرده] تمامی نقش و نگارهای کابوس شوروی را دربردارد. خود مک‌کارتی بیش از یک شباهت گذرا به یک آپاراتچی[1] استالینیستی یا پلیس مخفی داشت.

آلسوپ نوشت: دالان ورودی معمولا مملو از شخصیت‌هایی مرموزی است که نگاه‌های مرموزشان نشان می‌دهد احتمالا آدم (مواجب‌بگیر) وزارت خارجه باشند. خود مک‌کارتی باوجود کچلی نصفه و نیمه و یک رعشه مداوم که باعث می‌شود سرش به شکلی نگران‌کننده تکان بخورد، مثل یک کارآگاه خصوصی قوی آرواره[2] در فیلم‌های هالیوود، که به درستی برای آن نقش انتخاب شده باشد، ایفای نقش می‌کند. یک بازدیدکننده ممکن است او را در این حالت ببیند: با شانه‌های سنگین و افتاده به جلو، تلفنی در دستان بزرگش گرفته و دستورات مرموزی به برخی متحدین مرموز می‌دهد: آره، آره. من توانم گوش کنم اما نمی‌توانم صحبت کنم. متوجه منظورم هستی؟ تو واقعا به شواهدی دست یافتی که این پسر اشتباه می‌کنه؟ سناتور نگاهی به بالا انداخت تا تأثیر این نمایشنامه را بر رخ کسی که به دیدارش رفته ببیند. بله؟ خب بهت می‌گم. فقط این چیزها رو به شماره یک بگو و واکنشش رو دریافت کن. باشه؟ این درام با نمایش‌های جالب توجه مک‌کارتی به اوج خود می‌رسد: آنجا که سناتور مک‌کارتی هنگام صحبت با گوشی، گهگاهی با مداد به دهانه تلفن خود ضربه می‌زند. به باور عموم مردم واشنگتن، این کار قرار است کارکرد سوزن تعبیه شده در هر وسیله شنود را از بین ببرد. در حالی که وزارت امور خارجه می‌ترسد که دوستان سناتور مک‌کارتی از آن جاسوسی کنند، سناتور مک‌کارتی ظاهرا از این می‌ترسد که دوستان وزارت خارجه از او جاسوسی کنند.

اینجا دلیلی برای یادداشت ویزنر وجود داشت: دلیل توقف بحث این بود که مک‌کارتی در درون، جو ترس و سوءظن را حاکم کرده بود و در خارج از ایالات متحده اساس تلاش‌های سازمان سیا برای دستیابی به همگرایی با چپ‌های غیرکمونیست را تهدید می‌کرد. اما عناصر محافظه‌کار کمیته آمریکایی توضیحات آلسوپ را به عنوان محصول خیال‌بافی‌های مفرط رد کردند. سیدنی هوک نوشت: «عده‌ای هستند که باید بهتر بدانند [و بهتر بیندیشند]، آنهائی که ادعا کرده‌اند ما در حال گذراندن بدترین دوره وحشت سیاسی و هیستری در تاریخ خود هستیم. این توصیف از وضعیت کنونی آمریکا اغراق‌آمیز و تحریف حقایق است.»

کریستول نیز این ادعاها که مک‌کارتیسم در حال ایجاد «فضای وحشت» است را به سخره گرفت. کریستول در پاسخ به ادعای آرتور میلر که بر ودوِی از «خرد نداشته مک‌کارتیسم» و با «تحقیقاتی که از سوی کنگره در مورد انحرافات سیاسی[3] به راه انداخته» رنج می‌برد، در نیویورک تایمز نوشت او به خاطر «خزعبلاتی که گفته» گناهکار است. در سال ۱۹۵۲ کریستول قول مشهوری داشت: «یک چیز وجود دارد که مردم آمریکا در مورد سناتور مک‌کارتی می‌دانند، [اینکه] او مانند آنها یک ضد کمونیست بی‌چون و چراست. سخنگویان لیبرالیسم آمریکایی احساس می‌کنند که آنها چنین چیزی را نمی‌دانند.» در همان تاریخ استیون اسپندر با غم و اندوه نتیجه‌گیری کرد: «هرگاه یک نویسنده آمریکایی دست بر پیشانی و از روی تقوا اظهارات ضد کمونیستی می‌کند، کسی هست که به او مشکوک شود، او به‌جای دعای سلام بر مریم دارد دعای سلام بر مک‌کارتی را می‌خواند.»

هرچند ابعاد آزار و اذیتی که نویسندگان و هنرمندان شوروی قرار می‌گرفتند قابل مقایسه با کارزار مک‌کارتی در آمریکا نیست و نمی‌تواند باشد، اما هر دو ماجرا عناصر مشترکی داشتند. دیدار برادران آلسوپ از لانه مک‌کارتی در کپیتال هیل نشان داد که [آنجایی که او لانه کرده] تمامی نقش و نگارهای کابوس شوروی را دربردارد. خود مک‌کارتی بیش از یک شباهت گذرا به یک آپاراتچی استالینیستی یا پلیس مخفی داشت.

پانوشت‌ها:

۱- کارمند تمام وقت و حرفه‌ای حزب کمونیست.

۲- فک او قوی است بنابراین زیاد فک می‌زند.

۳- سیاست‌های مغایر با سیاست‌های اعلامی و رسمی کشور.

نیازمندی‌های کیهان

قبول آگهی تلفنی
از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر
تلفن: ۵-۳۳۱۱۲۲۹۲
فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳
niyaz.mandiha@kayhan.ir

مرکز
۳۳۱۱۰۲۰۲ - ۳۳۱۱۰۲۰۸ - ۳۳۱۱۲۱۹۳
۳۳۱۱۳۵۱۹ - ۳۳۹۱۱۵۶۸ - ۳۳۱۱۲۲۹۱
۳۳۱۱۰۲۱۰ - ۳۳۱۱۹۲۳۶ - ۳۳۱۱۳۰۸۵
۳۳۱۱۸۰۵۰ - ۳۳۱۱۲۱۹۵ - ۳۳۹۴۲۰۰۰

جنوب
سعدی ۳۳۹۶۲۲۱۱ - ۳۳۹۶۲۲۳۳
شرق استان تهران ۳۶۲۵۷۰۷۴
اسلامشهر ۵۶۳۴۴۳۴۳
چهاردانگه ۵۶۳۵۹۵۹۸

برگ سبز (سند مالکیت)وسند کمپانی سواری پژوGLX_XUv_CNG۴۰۵ مدل۱۳۹۳ به شماره پلاک ۳۳۱۶۹ ایران۱۳ وشماره موتور ۱۲۴K۰۳۵۶۹۹۲ وشماره شاسی NAAM۱۱CA۱ER۹۲۳۳۸۶ به نام علی کریمی هراته به کد ملی۵۴۱۰۳۳۵۶۳۵ مفقود شده اعتبار ندارد. (زرین شهر)

سند کمپانی و شناسنامه مالکیت (برگ سبز) تراکتور ۳۹۹ ITM مدل ۱۴۰۳ به رنگ قرمز روغنی به شماره انتظامی ۴۴۳ ک ۸۱ ایران ۱۸ و شماره موتور YAW۱۴۳۸۵ M و شماره شاسی N۳HKTAA۵DRH۲۰۱۴۷۹ بنام یاسر محمدی به شماره ملی ۴۰۲۰۰۴۴۲۸۶ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است . (همدان)

اصل سند کمپانی (فاکتور فروش) و کارت شناسایی خودرو سواری هاچ بک سیستم ام . وی . ام تیپ ۳۱۵HNEW مدل سال ۱۳۹۶ به رنگ سفید روغنی به شماره پلاک ۹۳ ایران ۷۳۴ م ۳۱ به شماره موتور MVM۴۷۷FJAH۰۵۷۵۴۲ و به شماره شاسی NATFBAMDv۶H۱۰۴۶۵۲۶ بنام سجاد رحمتی فیروز آباد فرزند محمدعلی به شماره ملی ۴۲۳۱۷۷۲۶۰۶ به شماره شناسنامه ۲۶ صادره از یاسوج مفقود گردیده اند و از درجه اعتبار ساقط می باشند .(یاسوج)

مجله زن روز
روزهای شنبه هر هفته
منتشر می‌گردد

برگ سبز (سند مالکیت) وکارت شناسایی تراکتورداخلی۲۸۵_ ITM مدل ۱۳۸۶ به شماره پلاک ۵۴۳ک۱۵ ایران۱۳ وشماره شاسی F۱۵۸۱۱ وشماره موتور LFW۲۲۵۳۸T به نام محسن طوقانی ریزی به نمایندگی از کشاورزی دامداران لنجان به کد ملی۱۱۷۱۲۷۴۳۸۶ مفقود شده اعتبار ندارد .زرین شهر.

برگ سبزسواری دنا۷EF به‌شماره انتظامی۶۹۹ج۷۴ ایران۶۳ مدل ۹۶ موتور۱۴۷H۰۲۸۰۸۶۶ شاسی NAAW۰۱HEAHE۴۶۱۱۰۱ به نام فرخ یوسفی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است(شیراز)

برگ سبز و سند کمپانی و کارت شناسایی خودرو سواری m.v.m مدل ۱۳۹۶ به رنگ سفید به شماره انتظامی ۲۸۹ د ۲۸ ایران ۶۲ به شماره موتور MVM۴۸۴FBDH۰۱۱۲۲۰ به شماره شاسی NATGBAYLv۶H۱۰۱۱۵۴۱ مربوط به خدیجه صالحی لله مرزی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. (ساری)

آگهی‌های مفقودی

برگ سبز خودرو سواری سیستم کی‌ام‌سی تیپ J۷-AT مدل ۱۴۰۲ به شماره موتور HFC۴GC۱.۶EP۳۶۳۱۵۷۴ به شماره شاسی NAKNH۸۳۲۲PB۱۰۹۵۱۸ به شماره پلاک ۹۲۵ ی ۳۴- ایران ۲۲ مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز (سند مالکیت) سواری پژو آردی تیپ ۱۶۰۰ مدل۱۳۸۳ به شماره پلاک ۱۶۸ هـ ۶۹ ایران ۴۳ وشماره موتور ۱۱۷۸۳۰۰۳۶۲۰ وشماره شاسی۸۳۱۰۳۹۵۷ به نام محمد علی نوکورانی به کد ملی۱۱۷۰۶۰۲۲۹۰ مفقود شده اعتبار ندارد.(زرین شهر)

کارت شناسایی سواری هاچ بک سیستم پژو تیپ ۲۰۶ مدل ۱۳۸۳ به شماره پلاک ۴۶۶هـ۸۳ ایران۴۳ وشماره موتور ۱۰FSM۸۴۶۵۶۵۹۵ وشماره شاسی ۸۳۶۰۸۰۰۶ به نام سمیه علی خانی چمگردانی به کد ملی ۱۱۷۱۳۰۰۵۴۲ مفقود شده اعتبار ندارد .(زرین شهر)

استخدام

دعوت به همکاری

موسسه ای از افرادی با شرایط زیر برای بخش های کارگری و کارمندی خود دعوت به همکاری می نماید .

- واحد فنی: ۴ نفر مرد - با تحصیلات دیپلم
- واحد خدمات: ۵ نفر مرد - با تحصیلات حدود دیپلم
- امور مالی: ۳ نفر فارغ التحصیل کارشناسی حسابداری
- امور اداری: ۳ نفر آشنا به تایپ فارسی

متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با تلفن ۳۳۱۱۸۳۳۳ - ۰۲۱ تماس حاصل نمایند.

قبول آگهی تلفنی
از ۸ الی ۱۸
تلفن: ۹-۳۳۱۱۲۲۹۱ و فکس ۳۳۱۱۸۰۵۳

خرید و فروش وام

خرید وام مسکن جانبازی حتی اگر نوبت شما نرسیده باشد
۰۹۱۹۱۴۸۲۰۳۹
۰۹۱۲۶۵۳۱۴۰۸

خرید و فروش و اجاره کلیه املاک

املاک انتظار
فروش ویلا، زمین در شمال منطقه نور- چمستان (۲۰٪ زیر قیمت بازار) برای اطلاعات بیشتر تماس بگیرید.
۰۹۳۸۳۵۱۶۵۰۰

املاک افق
خرید- فروش- رهن- اجاره زمین، ویلا، آپارتمان در رودهن و حومه
۰۹۱۲۱۷۲۹۴۸۵ و ۷۶۵۰۹۹۸۱

منطقه نور و چمستان
فروش چند واحد ویلا (باسند) همه قیمت موجود می‌باشد
۰۹۳۸۳۵۱۶۵۰۰

حمل و نقل

متصدی حمل هوایی زمینی دریایی و ریلی کالای وارداتی صادراتی ترانزیت، بازرگانی و ترخیص کالا
۰۹۱۲۳۵۷۶۵۷۶

بنایی و خدمات ساختمانی

تهویه مطبوع احمدی
ساخت و نصب انواع کانال‌های گالوانیزه داکت- اسپیلت- هواساز
۰۹۱۲۵۳۴۶۶۹۴

خرید و فروش انواع خودرو

«خریدار نقدی فرسوده»
انواع خودرو و تمام مدل‌ها حتی مدارک ناقص و موتور سوخته
۰۹۱۲۲۵۸۶۸۴۲
۰۹۱۲۰۷۰۶۴۸۷

کوناکون

مجله
موتورسیکلت را از روزنامه‌فروشی‌ها بخواهید
۰۹۱۲۷۷۵۳۲۴۸

دو دستگاه جرثقیل سقفی دلتا ۱۰ تن ساخت کشور هلند با کلیه متعلقات به بالاترین پیشنهاد به فروش می‌رسد.
تلفن تماس:
۸۸۸۳۵۴۵۰
شرکت پرسیت

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم دعوت می‌گردد در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده سالانه شرکت ایده‌پردازان آویهنگ سهامی خاص به شماره ثبت ۴۴۱۲۷۵ مورخ ۱۴۰۴/۲/۱۵ که از ساعت ۱۰ صبح در محل قانونی شرکت به نشانی تهران، خیابان شهید بهشتی، خیابان کاووسی‌فر، نبش کوچه نکیسا، ساختمان نکیسا، پلاک ۲، واحد ۱ تشکیل می‌گردد، حضور به همه رسانند.
دستور جلسه: ۱- تعیین حقوق و مزایای هیئت مدیره
هیئت مدیره

آقای میرمحمد مهدی فتوت به اطلاع می‌رساند طلاق فی‌مابین شما و خانم زهره مهدوی به شماره ثبت ۴۹۴۴ مورخ ۱۴۰۴/۱/۲۳ ثبت گردید.
آدرس دفتر: تقاطع نبرد جنوبی و زمزم پ ۱۰۱
محمدحسین احسانی مطلق
سردفتر طلاق ۱۶ تهران

آقای داود ظهره‌وند به اطلاع می‌رساند طلاق فی‌مابین شما و خانم مونا السادات بنی‌هاشمی به شماره ثبت ۴۹۵۱ مورخ ۱۴۰۴/۱/۲۵ ثبت گردید.
آدرس دفتر: تقاطع نبرد جنوبی و زمزم پلاک ۱۰۱
محمدحسین احسانی مطلق
سردفتر طلاق ۱۶ تهران

خلاصه آگهی مزایده

اداره اوقاف و امور خیریه شمیران تهران در نظر دارد ششدانگ عرصه و اعیان کباب مغازه بانضمام انبار ۱۲۰ متر(بدون حق) از رقبات موقوفه امامزاده قاسم(ع) به مساحت ۱۹/۲ مترمربع واقع در خیابان دربند خیابان آبک جنب امامزاده قاسم(ع) را با مبلغ پایه مزایده ماهیانه ۴۸۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال از طریق مزایده و با رعایت شرایط و مقررات اوقافی به اجاره واگذار نماید. آخرین روز شرکت در مزایده تاریخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۰ می‌باشد.
متقاضیان می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر صرفا در ساعات اداری به قسمت اجارات اداره اوقاف و امور خیریه شمیران تهران یا به سامانه میز خدمت به نشانی my.oghaf.ir مراجعه نمایند.
اداره اوقاف و امور خیریه شمیران تهران

خلاصه آگهی مزایده

اداره اوقاف و امور خیریه شمیران تهران در نظر دارد ششدانگ عرصه و اعیان یک واحد مسکونی طبقه ۲ غربی از رقبات موقوفه مصطفی نشاط مبینی طهرانی به مساحت ۶۱/۷۹ مترمربع واقع در خیابان شریعتی بالاتر از زندان قصر جنب کوچه ساجیان پلاک ۲ را با مبلغ پایه مزایده ماهیانه ۱۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال از طریق مزایده و با رعایت شرایط و مقررات اوقافی به اجاره واگذار نماید. آخرین روز شرکت در مزایده تاریخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۰ می‌باشد.
متقاضیان می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر صرفا در ساعات اداری به قسمت اجارات اداره اوقاف و امور خیریه شمیران تهران یا به سامانه میز خدمت به نشانی my.oghaf.ir مراجعه نمایند.
اداره اوقاف و امور خیریه شمیران تهران

خلاصه آگهی مزایده

اداره اوقاف و امور خیریه شمیران تهران در نظر دارد ۴/۱۳ دانگ از شش دانگ عرصه و اعیان تجاری مغازه شماره ۴ ط همکف از رقبات موقوفه حمام ازگل به مساحت ۱۸/۵۷ مترمربع واقع در ازگل- میدان ازگل روبروی مسجد جامع ازگل پلاک ۸۸ مغازه شماره ۴ ط همکف را با مبلغ پایه مزایده ماهیانه ۱۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال از طریق مزایده و با رعایت شرایط و مقررات اوقافی به اجاره واگذار نماید. آخرین روز شرکت در مزایده تاریخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۰ می‌باشد.
متقاضیان می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر صرفا در ساعات اداری به قسمت اجارات اداره اوقاف و امور خیریه شمیران تهران یا به سامانه میز خدمت به نشانی my.oghaf.ir مراجعه نمایند.
اداره اوقاف و امور خیریه شمیران تهران

خلاصه آگهی مزایده

اداره اوقاف و امور خیریه شمیران تهران در نظر دارد تمامی یک باب مغازه از رقبات موقوفه مسجد والفجر واقع در کاشانک به مساحت ۷۷/۷ مترمربع واقع در کاشانک خیابان پوراباتچاج خیابان صبوری نبش کوچه تهرانی مقدم را با مبلغ پایه مزایده ماهیانه ۵۵۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال از طریق مزایده و با رعایت شرایط و مقررات اوقافی به اجاره واگذار نماید. آخرین روز شرکت در مزایده تاریخ ۱۴۰۴/۲/۲۰ می‌باشد.
متقاضیان می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر صرفا در ساعات اداری به قسمت اجارات اداره اوقاف و امور خیریه شمیران تهران یا به سامانه میز خدمت به نشانی my.oghaf.ir مراجعه نمایند.
اداره اوقاف و امور خیریه شمیران تهران

خلاصه آگهی مزایده

اداره اوقاف و امور خیریه شمیران تهران در نظر دارد تمامی یک باب مغازه از رقبات موقوفه مسجد والفجر واقع در کاشانک به مساحت ۷۷/۷ مترمربع واقع در کاشانک خیابان پوراباتچاج خیابان صبوری نبش کوچه تهرانی مقدم را با مبلغ پایه مزایده ماهیانه ۹۵.۰۰۰.۰۰۰ ریال از طریق مزایده و با رعایت شرایط و مقررات اوقافی به اجاره واگذار نماید. آخرین روز شرکت در مزایده تاریخ ۱۴۰۴/۲/۲۰ می‌باشد.
متقاضیان می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر صرفا در ساعات اداری به قسمت اجارات اداره اوقاف و امور خیریه شمیران تهران یا به سامانه میز خدمت به نشانی my.oghaf.ir مراجعه نمایند.
اداره اوقاف و امور خیریه شمیران تهران

شرایط و فرم اشتراک نشریات کیهان در تهران سال ۱۴۰۴

متقاضیان محترم می‌توانند با توجه به جدول زیر نسبت به انتخاب هر یک از نشریات مورد علاقه و واریز مبلغ اشتراک به شماره کارت **۶۱۰۴۳۳۸۹۸۷۹۴۸۷۷۱** بانک ملت به نام چاپ و انتشارات کیهان و ارسال اصل فیش بانکی همراه با فرم تکمیل شده ذیل به صندوق پستی **۱۱۳۶۵/۳۶۳۱** با پست سفارشی نسبت به برقراری اشتراک خود اقدام نمایند.

نوع نشریه	یکساله (ریال)	شش ماهه (ریال)	سه ماهه (ریال)
روزنامه کیهان	۴۵/۰۰۰/۰۰۰	۲۲/۵۰۰/۰۰۰	۱۱/۲۵۰/۰۰۰
روزنامه کیهان انگلیسی	۱۶۵/۰۰۰/۰۰۰	۸۲/۵۰۰/۰۰۰	۴۱/۲۵۰/۰۰۰
روزنامه کیهان عربی	۱۶۵/۰۰۰/۰۰۰	۸۲/۵۰۰/۰۰۰	۴۱/۲۵۰/۰۰۰
مجله کیهان ورزشی	۲۸/۶۰۰/۰۰۰	۱۴/۳۰۰/۰۰۰	۷/۱۵۰/۰۰۰
مجله زن روز	۲۸/۶۰۰/۰۰۰	۱۴/۳۰۰/۰۰۰	۷/۱۵۰/۰۰۰
مجله کیهان بچه‌ها	۱۴/۳۰۰/۰۰۰	۷/۱۵۰/۰۰۰	۳/۵۷۵/۰۰۰
مجله کیهان فرهنگی	۲/۲۰۰/۰۰۰	———	———

توجه

۱- اشتراک عزیزانی که فرم درخواست آنها تا دهم هر ماه به امور مشترکین برسد از اول ماه بعد برقرار می‌شود.

۲- یک نسخه از کپی فیش بانکی و قبض سفارشی را تا پایان مدت اشتراک حتما نزد خود نگهداری نمائید.

۳- در صورت تغییر قیمت نشریات و یا هزینه پستی، معادل مبلغ پرداخت‌شده، نشریه مورد تقاضا ارسال می‌گردد.

۴- در صورت تمایل به اشتراک چند نشریه، برای هر کدام فیش بانکی جداگانه تهیه فرمائید.

۵- قبض پرداختی را می‌توانید به شماره **۰۹۱۲۷۹۳۲۵۶۸** با ذکر مشخصات در کانال تلگرام و یا ایتا قرار داده و به امور مشترکین اطلاع دهید.

فرم تقاضا

نام: ..... نام خانوادگی: ..... نوع نشریه: ..... تعداد نسخه..... مدت..... ماه

مبلغ پرداختی: ..... ریال شماره فیش بانکی: ..... تلفن: ..... تلفن همراه: .....

آدرس:.....

کد پستی: ..... پست الکترونیکی: .....

شماره اشتراک: .....

تلفن: ۳۵۲۰۲۲۷۸-۰۲۱ نمابر: ۳۳۹۱۰۹۲۲-۰۲۱

امور مشترکین موسسه کیهان